

کاربرد نمادین رنگ‌ها در قرآن کریم

محمدرضا عزیزی پور*

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۹

مسعود باوان پوری**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۴

مصطفی احمدپناه***

فاروق نعمتی****

چکیده

قرآن کریم کلام راستین الهی، علاوه بر اینکه یک مجموعه کامل از پیام‌های دینی- عقیدتی است، در زمره کتاب‌های غنی ادبی نیز محسوب می‌گردد. این کتاب الهی دارای تصویرهایی با خیالی گسترده و عمیق بوده که در گستره خیال آن‌ها، عناصری چون تشبیه، استعاره، موسیقی، حس آمیزی، رنگ و ... نقش اساسی دارند. یکی از ارکان و عناصر مؤثر در زیبایی ادبی این تصویرها، استفاده از رنگ می‌باشد؛ هرچند تنوع و گوناگونی رنگ‌ها در این کتاب آسمانی اندک است، اما همین تنوع اندک نیز در پروردن خیال مخاطب، نقشی ارزنده دارد. رنگ‌های بکاررفته در قرآن کریم یا به منظور توصیف یک چیز یا یک پدیده، مورد استفاده واقع شده‌اند یا دارای معانی استعاری، کنایی و گاه تشبیهی می‌باشند؛ پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به تبیین و بررسی کاربردهای رنگ‌های موجود در قرآن کریم پرداخته و دلالت‌های هر یک را تبیین کند.

کلیدواژه‌گان: ملزومات، حیات، کاربرد، تصویر، توصیف، تأثیر، احساس.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. ahmadpanah1355@gmail.com

**** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور.

نویسنده مسئول: مصطفی احمدپناه

مقدمه

روزگاری منابع و روش‌های دستیابی انسان به واقعیت محدود و منحصر بود اما امروز بشر به منابع متعدد و ابزارها و روش‌های متنوعی برای کشف حقیقت عالم دست پیدا کرده است که یکی از این منابع قرآن کریم می‌باشد (سید مظهري، ۱۳۸۹: ۸۴) زیرا «قرآن دربردارنده گزاره‌های علمی است که امکان تدقیق در آن‌ها تنها پس از کشف‌های تازه علمی وجود دارد» (طالب‌تاش و فروغی، ۱۳۹۳: ۸۴). یکی از این علوم روز، استفاده از رنگ‌ها می‌باشد.

امروزه، رنگ یکی از مهم‌ترین ملزومات حیات بشری به شمار می‌آید. مردم در زندگی شخصی و اجتماعی خود، عنصر رنگ را به عنوان یک امر مهم تلقی کرده و در همه برنامه‌های خود آن را دخالت داده و رنگ را در انتخاب لباس، لوازم زندگی، دکوراسیون منزل و محل کار، معماری و ... مد نظر قرار می‌دهند. / احمد مختار عمر در کتاب خویش «اللغة واللون»، رنگ را جزء جدایی‌ناپذیر زندگی امروزی و یکی از عناصر بنیادی زیبایی دانسته است (ر. ک مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۳). اصولاً تصور دنیایی بدون رنگ، ناممکن می‌باشد؛ چراکه در این صورت، جهان هر کس تبدیل به جهانی یکنواخت و بدون تنوع می‌گردد. ارزش و اهمیت رنگ‌ها در برخی هنرها از جمله نقاشی، معماری، سینما، تئاتر، طراحی، عکاسی و قالبیابی، بیش‌تر مشخص می‌گردد، چراکه حذف رنگ از این هنرها مساوی است با نابودی آن‌ها. البته نباید فیلم‌ها، عکس‌ها یا نقاشی‌های سیاه و سفید را بی‌رنگ تصور کرد، زیرا که تصویرهای سیاه و سفید نیز به نوعی رنگی هستند و فقط تنوع آن‌ها اندک می‌باشد.

اما از جایگاه مهم رنگ در ادبیات نباید غفلت کرد، به این دلیل که رکن اصلی هر تصویر ادبی به میزان خیال‌انگیزی آن بستگی دارد و رنگ نیز در کنار ارکان دیگر تصویرپردازی، همچون استعارات، تشبیهات، کنایات، مجازها، تناقضات، حس‌آمیزی‌ها، آهنگ و غیره، جایگاهی والا و ارزشمند دارد. رنگ به کلام ادبی، بُعد، جهت و عمق می‌بخشد و زیبایی‌ها و ریزه‌کاری‌های هر تصویرگری به میزان استفاده به جای ادیب از رنگ بستگی دارد. «عنصر رنگ یکی از عناصر کلیدی است که از راه آن می‌توان به

بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، امید و آرزوها و اهداف انسان‌ها پی برد» (پشابادی، ۱۳۹۳: ۹۴).

رنگ، اشیاء و شکل آن‌ها از جمله مظاهر حسی هستند که باعث تواتر در اعصاب و حرکت در مشاعر می‌شوند؛ اما شاعر همانند کودک این رنگ‌ها و اشکال و بازی با آن‌ها را دوست دارد، البته بازی که در درجه نخست باعث کشف یک صورت، و در درجه دوم باعث برانگیختن خواننده می‌شود، بنابراین شعر در سایه رنگ‌ها و اشکال شکل می‌گیرد (ر. ک اسماعیل، بی‌تا: ۱۳۰-۱۲۹). بنابراین عنصر رنگ به عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات انسان در تصویر شاعران سهم عمده‌ای دارد و از قدیم‌ترین ایام، مجازها و استعاره‌های خاصی از رهگذر توسعه دادن رنگ در غیر مورد طبیعی خود وجود داشته است چنانکه بسیاری از امور معنوی که به حس زیبایی در نمی‌آیند با صفتی که از صفات رنگ‌هاست، نشان داده شده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷۴).

قرآن کریم که کتاب دینی و ادبی مسلمانان به شمار می‌آید، دارای تصویرهای زیبا، دقیق و خیال‌انگیز بوده و انتخاب رنگ‌ها، به ویژه در توصیف پدیده‌های طبیعی و استعاره‌ها و کنایه‌ها و تشبیه‌ها ارزش و اعتبار فراوانی به پویایی صحنه‌های مورد وصف آن داده است. البته نباید از این امر غفلت کرد که کلام وحی در شبه جزیره عربستان ایراد شده و این سرزمین محیطی کم‌رنگ بوده و طبیعت آن چندان از تنوع رنگ‌ها برخوردار نبود- این امر در شعر شاعران آن زمان نیز نمود دارد- در نتیجه تعداد و تنوع رنگ‌ها در قرآن کریم اندک بوده و منحصر به رنگ‌های تیره، سبز، زرد، قرمز، سفید و آبی می‌باشد و قسمت اعظم این رنگ‌ها جهت بیان تصویر یا توصیف یک پدیده به کار رفته است.

هدف تحقیق

هدف اصلی این مقاله بررسی کمیّت و کیفیت رنگ‌ها و تأثیر آن‌ها در زیبایی و خیال‌انگیزی قرآن کریم می‌باشد تا مشخص شود که این رکن مهم و مؤثر در میزان حرکت و زیبایی تصویرهای ادبی تا چه اندازه دارای جایگاه توصیفی یا کاربرد استعاری و کنایی بوده و به تبع آن در زیبایی‌شناسی این کتاب چه تأثیری بر جای گذاشته است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، کتابخانه‌ای و تحلیلی بوده و به این صورت عمل شده است که ابتدا تمامی رنگ‌های مورد استفاده در قرآن کریم استخراج شده و سپس ویژگی‌ها و جایگاهشان در فرهنگ‌های مختلف و نیز کاربرد ادبی آن‌ها بیان گردیده و در نهایت جایگاه توصیفی و معنایی این رنگ‌ها از نظر استعاری، کنایی و احیاناً تشبیهی با ذکر نمونه‌هایی قرآنی مورد کنکاش و تحلیل واقع شده است.

پیشینه تحقیق

تا کنون درباره قرآن کریم پژوهش‌های ارزنده و قابل ذکری صورت گرفته است که از زوایای گوناگون به آن پرداخته‌اند. درباره کاربرد رنگ نیز مقالات فراوانی نگاشته شده است که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره نموده‌ایم.

کاووس حسن‌لی و مصطفی قدیمی، (۱۳۸۲) در مقاله «تحلیل رنگ در سروده‌های سهراب سپهری» در شماره ۱۳ مجله ادب و زبان کرمان / سیدعلی قاسم‌زاده و ناصر نیکویخت، (۱۳۸۲) در مقاله «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری» در شماره اول از سال دوم مجله پژوهش‌های ادبی / علی اکبر سام‌خانی و تقی وحیدیان کامیار در مقاله «رنگ در شعر معاصر» در شماره ۴ از سال سی و ششم مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات مشهد / ناصر نیکویخت و سیدعلی قاسم‌زاده، (۱۳۸۴) در مقاله «زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر (با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی)» در شماره ۱۸ مجله ادب و زبان کرمان / مهین پناهی، (۱۳۸۵) در مقاله «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما (بر اساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)» در شماره ۱۳ و ۱۲ فصلنامه پژوهش‌های ادبی / زرین‌تاج واردی و آزاده مختارنامه، (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی رنگ در حکایت‌های هفت پیکر نظامی» در شماره دوم مجله ادب پژوهی / مسعود روحانی و محمد عنایتی قادی‌کلایی، (۱۳۹۰) در مقاله «نگاهی تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر م. سرشک» در شماره ۲۹ نشریه ادب و زبان کرمان و مقالات گوناگون دیگر اما مقاله‌ای که به موضوع مورد بحث ما پرداخته باشد مشاهده نشد.

مبانی نظری

رنگ

رنگ بازتابی از نور است که به شکل‌های متفاوتی درمی‌آید و این بازتاب، مجموعه وسیعی را شامل می‌شود. اگر یک ناحیه باریک از طول موج‌های نور مرئی توسط ماده جذب شود، رنگ به وجود می‌آید (نک: <http://fa.wikipedia.org/wiki>).

رنگ‌ها همانند موسیقی، زبان مشترک جهانی در میان تمامی ملت‌ها هستند و اغلب مردم درک نسبتاً یکسانی از رنگ‌ها دارند. به همین سبب برای مثال پرچم سفید نشانه تسلیم و صلح است و مفاهیم رنگ پرچم کشورها برای همگان تا حد زیادی قابل درک است. رنگ‌ها این ظرفیت عظیم را دارند که پیام‌ها را در حوزه‌های گوناگون روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و حتی سیاسی و اقتصادی، در فضایی واقعی، کنایی، رمزی و اسطوره‌ای و در قالب نقاشی، معماری، ادبیات و ... به مخاطبان منتقل نمایند. بنابراین بسیاری از محدودیت‌هایی را که کلمات عادی دارا هستند، رنگ‌ها در هم می‌شکنند و ظرفیتی وسیع‌تر و امکاناتی غنی‌تر را برای انتقال پیام‌های گوناگون فراهم می‌آورند. از آنجایی که رنگ‌ها تأثیر عمیق و فوق‌العاده‌ای در احساسات، عواطف و اذهان مخاطبان بر جای می‌گذارند، در تعاملات و ارتباطات تصویری، صوتی، ادبی و هنرهای زیبا، جایگاه والایی را در انتقال تجربه‌های بشری و به‌خصوص تجربه‌ای احساسی به خود اختصاص داده‌اند. به همین سبب صفاتی چون شادی و غم، گرمی و سردی، زیبایی و زشتی، تازگی و کهنگی، تندی و ملایمت، نشاط و خسته‌کنندگی، فریبندگی، جذابیت و امثال این‌ها به رنگ‌ها نسبت داده می‌شود (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۲-۲۶۳).

بیان تعداد دقیق رنگ‌ها تقریباً غیرممکن است، چراکه رنگ‌های مختلف، زمانی که با هم ترکیب می‌شوند، رنگ‌های جدیدی را پدید می‌آورند و در نتیجه می‌توان گفت تنوع رنگ تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند.

رنگ‌ها علاوه بر ماهیت خود به عنوان یکی از مظاهر واقعی در تصویر شعری، دربردارنده میراث فرهنگی هستند که ساختار اسطوره‌ای و تمدن فرهنگ‌ها، در آن نمود دارد و دلالت‌های زیبایی‌شناسی دارند (محمدعلی، ۲۰۰۱: ۱۹۳). با ورود به حوزه فرهنگ و تمدن، شاهد تمایزی خاص در مفهوم رنگ‌ها هستیم. این تنوع مفهومی در موارد

متعددی، تناقض و تقابل گسترده‌ای را به نمایش می‌گذارد. چراکه در فرهنگ‌های مختلف، رنگ‌ها کاربرد رمزی، اسطوری و کنایی خاصی دارند که در سایر فرهنگ‌ها و ملت‌ها موجود نیست یا به شکل دیگری نمایان شده است (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۳). برای مثال «سبز روشن، رنگ غسل تعمید است و به خاطر ارتباطش با باغ‌ها، مزارع و درختان، با بهشت و نعمت، مرتبط است» (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۶۴-۱۶۵) یا در قرون اولیه در چین، هند و اروپا، رنگ زرد، مقدس بود و مسیحیان آن را در لوحه‌های مقدس کلیساها به کار می‌بردند و به خاطر ارتباط آن با نور خورشید، این رنگ را رمز الهه خورشید می‌دانستند (ریاض، ۱۹۶۵: ۴۰۷). در میان مسلمانان رنگ سیاه برای عزاداری به کار می‌رود و رنگ سرخ رمز شهادت و فداکاری، رنگ سفید رنگ شادی و سرور و رنگ لباس حجاج است. رنگ آبی، در بین عبری‌ها جایگاه والایی دارد و یکی از رنگ‌های مقدس آن‌ها می‌باشد. بنابراین در فرهنگ‌های گوناگون، با محوریت فرهنگ و اعتقادات ملت‌ها، دلالت‌های مختلفی از رنگ‌ها پدید آمده است که با مقدسات، اسطوره‌ها، آداب و سنن و شرایط تاریخی و جغرافیایی آنان ارتباط مستقیم دارد (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۴).

رنگ در ادبیات

رنگ از مهم‌ترین پدیده‌ها و عناصری است که تصویر ادبی را تشکیل می‌دهد، چراکه با تمام زمینه‌های زندگی ارتباط محکم دارد و با علوم طبیعی، روان‌شناسی، دین، فرهنگ، ادب، هنر و اسطوره سخت در ارتباط است (الشریف، ۱۹۷۴: ۱). هر رنگی یک معنای روانی دارد که نتیجه تأثیر فیزیولوژیک آن بر انسان است (الشاهر، ۲۰۰۲: ۲) و فقط بر قدرت ما، در تمییز اشیاء تأثیر نمی‌گذارد، بلکه مزاج و احساسات ما را تغییر می‌دهد و حس زیبایی‌شناسی ما را تحریک می‌کند. بررسی دقیق آثار ادبی، نشان می‌دهد که بکارگیری رنگ در آثار ادبی، از روی اتفاق نیست و تنها برای زینت کلام مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه با همه زمینه‌های ساختاری و بلاغی متن ادبی، ارتباطی تام دارد (عصفور، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۸۱).

رنگ در میان دانشمندان

دانشمندان کشف کرده‌اند که رنگ‌ها تأثیر فراوانی بر سلامت انسان دارند و روان آدمی را درمان ساخته، طبع و مزاج وی را متعادل کرده و روح وی را ترقی می‌دهند و نیز اعصابش را تغذیه نموده و سبب آرامش وی می‌گردند. تأثیر رنگ‌ها در زندگی امروزی بشر بر کسی پوشیده نیست؛ رنگ‌هایی هستند که سبب شادی روح شده و سعادت را در زندگی وی رایج می‌سازند و و رنگ‌هایی هستند که انسان از آن‌ها متنفر است و با دیدن آن‌ها احساس غم و خستگی و اضطراب روانی می‌کند؛ رنگ‌هایی هستند که معنویات فرد را ترقی داده و رنگ‌هایی هستند که باعث آگاهی فرد می‌شوند و بعضی سبب گرمای احساسات شده و بعضی دیگر احساسات وی را به سردی مایل می‌گردانند (ر.ک: مجله العلم، ۲۰۰۸: ۲۲).

همچنین دانشمندان در نیمه اول قرن گذشته کشف کرده‌اند که اشعه فرابنفش تأثیرات درمانی گوناگونی بر موجودات زنده داشته و بر خلاف داروهای گیاهی آثار زیانباری ندارند. رنگ‌های قرمز و بنفش رنگ‌های اساسی در درمان هستند و تجربه ثابت نموده که دو رنگ آبی و سبز تأثیر مثبت بر حالت روانی انسان داشته و وی را از ترس و اضطراب و تنش رها می‌سازند.

شاید سبب حکمت الهی در خلق آسمان‌ها و دریاها به رنگ آبی این باشد تا در آرامش انسان و احساس طمأنینه وی و نیز در کاستن احتمال ابتلا به بیماری‌ها نقش داشته باشند و این چیزی است که اختلاف میانگین ابتلا به بیماری در میان روستانشینان و شهرنشینان را توجیه می‌سازد.

برخی از پزشکان و دانشمندان بحث‌هایی را مطرح ساخته که هدف از آن‌ها کاهش درد بیماری‌ها با رنگ‌ها بوده است و آن‌ها با قرار دادن محل درد در زیر نور آمیخته و پوشیده با رنگ سبز دریافتند که درد به صورت سریع‌تری کاهش یافت.

رنگ‌ها در قرآن کریم

در قرآن کریم از شش رنگ نام برده شده است که عبارت‌اند از سفید، سبز، زرد، سرخ، سیاه و آبی.

رنگ سفید

رنگ سفید نوری را تمثیل می‌کند که بدون آن، دیدن هیچ رنگی ممکن نیست و احساس آرامش و طمأنینه را برمی‌انگیزد (عبدالوهاب، ۱۹۸۵: ۱۸۵). رنگ سفید رنگ طهارت، پاکی، روشنی، صداقت، هدایت، سعادت، آزادی، حق، عدالت و عظمت است. این رنگ در بین همه ملت‌ها با پاکیزگی، صداقت و صافی مرتبط بوده و اعراب قدیم، از تعبیراتی استفاده کرده‌اند که به این امر دلالت دارد مانند «ید بیضاء» و «کلام أبيض» و برای مدح کرامت، از آن بهره برده‌اند و به خاطر ارتباطش با نور و سفیدی روز در تعبیراتشان، از این رنگ استفاده کرده و از آن برای نقره و شمشیر، زمین بی‌آب و علف، مرگ، روز و غیره تعبیر نموده‌اند (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۶۹-۷۰). در قرآن کریم نیز این رنگ، رمز رستگاری است (همان: ۱۶۴). از نظر ذکر رنگ‌ها در قرآن کریم، سفید در اولویت قرار دارد که از خصوصیات بارز آن این نکته است که هر نوری بر آن می‌تابد را منعکس می‌سازد و به معنای آرامش، شفافیت، سلامت، پیروزی، پاکی و طهارت است. پیامبر (ص) در دعای خویش فرموده است: «اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُنْقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ» (بخاری، ۱۳۸۷: حدیث ۷۴۴). اکثر اهل زمین این رنگ را برای لباس عروس در شب زفاف برگزیده‌اند تا اشاره‌ای به عفت و طهارت و پاکی و نیز نمادی برای سعادت باشد.

این رنگ دوازده بار در قرآن کریم به کار رفته است مانند ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۶)، ﴿وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (نمل/۱۲)، ﴿كَانَهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ﴾ (صافات/۴۹).

رنگ سفید، رنگ صفا، رنگ قلب‌های پاکی است که هیچ کینه‌ای ندارند همانند آینه‌ای که هر آنچه در برابرش باشد را منعکس می‌سازد؛ بنابراین علامتی است برای چهره اهل سعادت در روز قیامت و رنگ شراب و کاسه‌هایشان و بعضی از رودهایشان است و نیز آن رنگ زنانشان است و بازتاب دهنده انواع سعادت که اهل بهشت در آن می‌چرخند.

رنگ سیاه

سیاه در فیزیک به معنای فقدان رنگ است، یعنی هر چیزی که موجی از آن به چشم نرسد، سیاه دیده می‌شود. اما در ادبیات، این رنگ، رنگ تاریکی، سکوت، یأس، ناامیدی، فنا، حزن، مرگ و ... است و «رنگی است که ظلم و ضلالت، خشم و گناه، کفر و شرک را تمثیل می‌کند» (زغریت، ۲۰۰۵: ۲). سیاهی شب، ناخودآگاهی قبل از آفرینش و عالم نابینایی و جایی را که نه زندگی در آن است، نه نور و نه بشر تکرار می‌کند (محمدعلی، ۲۰۰۱: ۱۶۷).

سیاه تیره‌ترین رنگ است و در واقع خود را نفی می‌کند. نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن، زندگی متوقف می‌گردد و لذا بیانگر پوچی و نابودی است. سیاه به عنوان نفی‌کننده خود، نشانگر ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی است. کسی که سیاه را [به عنوان رنگ مورد علاقه خود] انتخاب می‌کند، می‌خواهد همه چیز را نفی کند که بیرون از دایره اعتراض لجوجانه او نسبت به وضع موجودی است که در آن، وی احساس می‌کند هیچ چیز آن طور که باید و شاید نیست (لوشر، ۱۳۸۶: ۹۷).

این رنگ در قرآن کریم، در جایگاه سخن از وصف ظواهر طبیعی و رنگ کوه‌هایی که بر عظمت و قدرت خالق دلالت می‌کنند، ذکر شده و نیز در عملیات انسلاخ (پوست کردن و در اصطلاح خارج ساختن) روز از شب به هنگام فرا رسیدن سپیده‌دم، و در ادامه از جایگاه اهل جهنم و از کفاری که در عرصه روز قیامت هستند.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (زمر/ ۶۰)، ﴿الْمُرْتَدُّنَ الَّذِي أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَابِيٌّ سُودٌ﴾ (فاطر/ ۲۷) و نیز ﴿وَإِذَا بُسِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (نحل/ ۵۸). رنگ سیاه در این آیات کریمه، رنگ حزن و غم اندوه است، رنگ آهن و غم دنیوی و نیز رنگ جهنم. این رنگ، روح را مکدر ساخته و قلب‌ها را نابینا می‌سازد. / بوهربیره در حدیثی که البته ضعیف است آورده: «أوقد علی نار جهنم ألف عام حتی أحمرت وألف عام حتی أبيضت وألف عام حتی أسودت فهی سوداء مظلمة» (المنذری، ۱۳۶۹: ۶۸۸). دانشمندان تأکید داشته‌اند که رنگ سیاه سبب احساس غمگینی و بدبختی در خود نهفته دارد و به تأخیر افکننده یا آگاه‌کننده تمایلات

است لذا خداوند متعال آن را تکمیل کننده انواع عذاب و بدبختی در روز قیامت در حق کافرین و ظالمین قرار داده که لباس‌ها و چهره‌هایشان و جایگاهشان سیاه می‌گردد. این رنگ، همان‌گونه که دانشمندان نیز تأکید داشته‌اند تمام اشعه‌های تابیده را به خود جذب کرده و چیزی را منعکس نمی‌سازد. رنگ سیاه دیدن را ناممکن می‌سازد و انسان را از ادراک باز می‌دارد.

رنگ‌های قرمز و آبی

قرمز اولین رنگی است که انسان در طبیعت شناخت و منتسب به مجموعه رنگ‌های گرم و متوالی است که از تلالؤ خورشید و شعله‌ور شدن آتش و حرارت صادر می‌شود (محمدعلی، ۲۰۰۱: ۵۷) و به عنوان گرم‌ترین رنگ‌ها محسوب می‌گردد و مادر رنگ‌ها تلقی می‌شود.

بیش‌تر تعبیرات رنگ قرمز در زبان عربی، با مشقت و شدت مرتبط بوده و در استعمالات جدید از رنگ خون گرفته شده است (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۷۵). قرمز، روحیه هجوم، جنگ، انقلاب و دشمن‌ستیزی را برمی‌انگیزد (محمدعلی، ۲۰۰۱: ۵۸). در مذاهب و فرقه‌های غربی، رمز شهادت در راه مبدأ و دین است و در برخی مذاهب رمز جهنم (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۶۴). قرمز رنگ قدرت، زندگی و حرکت بوده، گاهی عاطفی است و گاهی تعبیری از عشق ملتهب، خوش‌بینی و جوانی (الشاهر، ۲۰۰۲: ۲).

عرب جاهلی رنگ قرمز را دوست نمی‌داشت مثلاً سال قرمز (السنة الحمراء) به معنی سال خشک، و مرگ سرخ (میتة حمراء) بدترین نوع مرگ، و باد سرخ (ریح حمراء) نیز بدترین باد بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷۰). این رنگ با صیغه جمع در قرآن کریم به کار رفته است: ﴿وَحُمُرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا﴾ (فاطر / ۲۷). دانشمندان این رنگ‌ها را به دو دسته تقسیم نموده‌اند.

۱- مثبت که با خاصیت اسیدی‌اش متمایز است مانند قرمز که در درمان کم‌خونی و اگزیما مؤثر است. در قدیم به هنگام ابتلای کودک به بیماری حصه، لباس‌های سرخ بر تن وی می‌کردند.

۲- منفی که با خاصیت قلیایی‌اش متمایز است مانند رنگ آبی که تأثیر آرامبخشی آن فشار خون را کاهش می‌دهد.

آبی نوعی حس ارتفاع و عمق در بیننده به وجود می‌آورد. ارتفاعی به اندازه آسمان گسترده و عمقی به اندازه ژرفای دریا. در نظر یونانیان، آبی نماد ظلمت است (فلمار، ۱۳۷۶: ۴۲). آبی رنگی صاف، روشن، باطراوت، تسکین‌دهنده و امیدبخش است و بر عمق تفکر و آرامش روحی و ذهنی می‌افزاید.

شاید اشاره قرآن کریم به حشر مجرمین در روز قیامت به رنگ آبی ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ (طه/۲) به تأثیر این رنگ بر انسان اشاره داشته باشد. آنگاه که رنگ انسان در دنیا آبی (کیود) می‌شود دلالت بر قرار داشتن وی در سختی و خطر یا در اختناق و نبود رنگ زندگی یا کاهش شدید فشار خون یا تصلب شرایین یا سردی اندام و اعضای وی دارد.

ابو سعود در تفسیر «یومئذ زرقاً» می‌گوید: «یا آبی شدن چشمان، و آن را قرار داده‌اند زیرا آبی بودن، بدترین رنگ چشمان است و منفورترین آن‌ها برای انسان عربی، گفته می‌شود برای دشمن: أزرق العين (چشمانش آبی باد) و گفته شده: زرقاً یعنی نابینایی، زیرا حدقه چشم نابینا، آبی می‌گردد» (ابو سعود، ۱۴۱۱، ج ۳: ۴۱).

رنگ‌های سبز و زرد

اما سبز و زرد رنگ‌هایی هستند که در قرآن کریم بدون شک و پیچیدگی بر ساختن سعادت و سرور مردم تأکید داشته‌اند.

رنگ سبز از ترکیب دو رنگ زرد و آبی به وجود می‌آید و در اسطوره‌های سلطنتی، مرد سبز، خدای باروری محسوب می‌گردد. این رنگ از رنگ‌های آرامبخش و دوست‌داشتنی بوده و رمز همیشگی دوستی، امید، سرسبزی، خیر، رشد و نمو، سلامت و امنیت، زندگی، حرکت، سرور، رشد، آرزو، خوشبینی، طبیعت زنده، باغ‌ها و ... است. در تفکر دینی رمز خیر و ایمان بوده و به همین دلیل در پرچم‌های عربی و اسلامی و گنبد‌های مسجدها و پرده‌های کعبه و ... از آن استفاده می‌شود (الشاهر، ۲۰۰۲: ۴). رنگ سبز با معانی دفاع و خویشتن‌داری مرتبط است و به مثبت‌اندیشی، بیش‌تر از منفی‌بافی

گرایش دارد و تجدد و نمو را تمثیل می‌کند (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۵) و از رنگ‌های محبوبی است که دارای الهامات شادی بخش می‌باشد (همان: ۲۱۰).

عرب، علی‌الخصوص عرب جاهلی [و صدر اسلام]، رنگ سبز را که یادآور بهار و مراتع خرم و چراگاه‌های خوب است، بیش از هر رنگ دیگری دوست می‌دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۶۹). این رنگ بعد از رنگ سفید از حیث تعداد در جایگاه دوم قرار دارد و هشت مرتبه در خلال آیات قرآنی به اشکال مختلف ذکر شده است مانند: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخِرًا مِنْهُ حَبًّا مَاتِرًا كَيْبًا﴾ (انعام/۹۹)، ﴿وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأَخْرَجَ يَبْسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ﴾ (يوسف/۴۳) و نیز الرحمان/۷۶ و حج/۶۳.

سبز در نزد اعراب بر هر چیز زیبایی اطلاق می‌گردد و گفته می‌شود: الأخضر برای طلا و گوشت و به صورت کنایی بر زن سیاه متمایل به سبز استفاده می‌شود و نیز برای زن زیبارو.

رنگ سبز، چشم را آسوده می‌سازد و به این خاطر میدان دید آن از میدان دید سایر رنگ‌ها کوچک‌تر است و نیز طول موج آن میانه است و مانند رنگ قرمز طویل و یا مانند رنگ آبی کوتاه نیست و ۱۰۰٪ رنگی مثبت است؛ بنابراین خداوند متعال در آیاتی که در مورد نعمت است که اهل بهشت را و نیز انواع سعادت و نعمت را در جوی سرشار از شادی و بهره‌مندی و امنیت روانی را توصیف می‌کند به کار می‌برد و این رنگ، رنگ جمال و نعمت دنیا و آخرت است و دانشمندان دریافته‌اند که رنگی است که شادی و سرور برمی‌انگیزد و رنگ زندگی است. بنابراین رنگ لباس و اکثر وسایل و تجهیزات پزشکی سبز است تا بیمار در اتاق عمل احساس راحتی و سعادت و آرامش داشته باشد. همچنین دانشمندان گفته‌اند که رنگ سبز نوعی توازن روحی به انسان می‌بخشد و در حملات عصبی و یا خشم به استفاده از آن سفارش نموده‌اند زیرا احساس آرامش می‌بخشد.

روان‌پزشکان معتقدند همانا رنگ سبز تنها رنگی است که اگر بر رنگ‌های دیگر غالب شود انسان هیچ‌گونه احساس تنگنا یا خستگی نمی‌کند. اعراب بیابانگرد نیز طبیعی است که رنگ سبز را در میان بیابان خالی دوست داشته باشند و در اشعار خویش بدان

اشاره کنند. رنگ سبز رنگ گیاهان و کشتهایی است که ما هر روز آن‌ها را می‌بینیم که فراوان از نظر روحی برای روان شادی بخش‌اند. رنگ سبز دیدن را تقویت می‌کند و حس بینایی را می‌افزاید و سبب آن این است که پزشکان گفته‌اند رنگ سبز روح بیننده را به شکل کامل و لذتبخش جمع می‌کند.

سید قطب در تفسیر ﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا إِلَهًا مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ﴾ (نمل / ۶۰) می‌گوید: «باغ‌هایی سرسبز و زنده، زیبا و شادی‌بخش هستند و دیدن باغ‌ها در قلب‌شان شادی و نشاط و حیات برمی‌انگیزاند و رنگ آمیزی یک گل و آراستن آن، که بزرگ‌ترین هنرمندان نیز از رنگ آمیزی آن عاجزند، در پس آن علاوه بر معجزه بودن، حیاتی پنهانی و رازی بزرگ است که بشر از فهم آن عاجز است» (قطب، ۱۹۸۶، ج ۵: ۲۶۵۶).

زرد یکی از رنگ‌های گرم است و اوج افروختگی، تابندگی و اشراق را نشان می‌دهد و درخشنده‌ترین و نورانی‌ترین رنگ‌ها به شمار می‌رود، چراکه رنگ خورشید، منبع نور، منشأ گرمی و زندگی، فعالیت و سرور است (عبد الوهاب، ۱۹۸۵: ۵۰). به خاطر ارتباطش با سفیدی، مرتبط با خیزش و فعالیت است و از مهم‌ترین خصائص آن، درخشش و پرتوافکنی است (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۴). رنگ وقار، آرامش، راحتی، صداقت، حکمت، اخلاص و تفکری است که به تخیل آرام و تأمل باطنی فرامی‌خواند (الشاهر، ۲۰۰۲: ۴).

رنگ زرد، در نقطه مقابل دلالت‌های مذکور، رنگ افسردگی، بیماری، ناتوانی، ضعف و رنگ پاییزی نیز هست و گاهی نماد جدایی، زوال و نابودی می‌باشد. در نتیجه این رنگ، رنگی است با دلالت‌های کاملاً متضاد و متباین. رنگ زرد در پنج جا در قرآن کریم آمده است مانند: ﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لُونَهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لُونُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ﴾ (بقره / ۶۹) و ﴿وَلَيْنُ أَسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ﴾ (روم / ۵۱). گفته شده «فاقع» لونها یعنی زرد پررنگ به طوری که نزدیک است به سفیدی بگراید و گفته شده: رنگ صاف که بینندگان را شاد می‌کند زیرا اگر به پوست آن نظر بیندازی می‌پنداری که اشعه خورشید از پوستش خارج می‌شود. کسائی می‌گوید: فقع لونها آنگاه که زردی‌اش خالص باشد و از اینکه رنگ زرد باعث شادی می‌شود.

نتیجه بحث

با بررسی رنگ‌ها در قرآن کریم مشخص گردید که خداوند متعال برای تأثیر کلام و زیبایی تصویرهای ادبی و گاه برای توصیف و ذکر دقیق ویژگی‌های چیزهای مورد نظر خویش و محسوس و قابل دید جلوه دادن سخن خود، از چندین رنگ مختلف بهره برده است. توصیفات قرآنی گاهی اوقات چنان دقیق و پرنقش و نگار است که گویی با کلمات نقاشی کشیده و آن‌ها را به مخاطبان عرضه کرده است، قرآن کریم در برخی عبارات خود از جایگاه غیرحقیقی رنگ‌ها بهره گرفته و آن‌ها را به صورت کنایی و استعاری بیان نموده است. هر چند نمی‌توان برای تک‌تک این رنگ‌ها، دلالت‌هایی یکسان در نظر گرفت، اما در بیش‌تر موارد، دارای نتایج همسان و نزدیک به هم هستند. رنگ سیاه در قرآن کریم اغلب برای بیان غم و اندوه و قلب‌های تیره کافران به کار رفته است. رنگ سبز، رنگ نشاط و خرمی و نیز توصیف جوّ سرشار از شادی و بهره‌مندی و نعمت اهل بهشت می‌باشد. قرمز و آبی برای بیان سختی و خطر و یا در اختناق بودن در روز قیامت مورد استفاده واقع شده و رنگ سفید برای چهره اهل سعادت در روز قیامت و نیز نعمت‌های آنان به کار رفته است. رنگ قرمز و آبی نیز در توصیف صحنه‌های قیامت به کار گرفته شده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم

کتاب فارسی

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۳ش، **صور خیال در شعر فارسی**، چ ۹، تهران: آگه.
فلمار، برند کلاوس. ۱۳۷۶ش، **رنگ‌ها و طبیعت شفا بخش آن‌ها**، ترجمه شهناز آذرینوش، تهران: ققنوس.

لوشر، ماکس. ۱۳۸۶ش، **روان‌شناسی رنگ‌ها**، ترجمه ویدا ابی‌زاده، چاپ ۲۲، تهران: درس.

کتاب عربی

ابوسعود، محمد بن محمد. ۱۴۱۱ق، **إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

اسماعیل، عزالدین. لا تا، **الشعر العربی المعاصر**، بیروت: دار الثقافة العربیة.

بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۳۸۷ش، **صحیح البخاری**، ترجمه عبدالعلی نور احرار، تربت جام: شیخ احمد جام.

ریاض، عبد الفتاح. ۱۹۶۵م، **التصویر الملون**، چاپ اول، قاهره: مكتبة الأنجلو المصرية.

عبدالوهاب، شکرى. ۱۹۸۵م، **الإضاءة المسرحية**، چاپ اول، قاهره: الهيئة العامة المصرية.

عصفور، جابر. ۲۰۰۳م، **النقد الأدبی**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب اللبنانیة.

قطب، سید. ۱۹۸۶م، **تفسیر فی ظلال القرآن**، بیروت: دار العلم.

محمدعلی، إبراهیم. ۲۰۰۱م، **اللون فی الشعر العربی قبل الإسلام قراءة ميثولوجية**، چاپ اول، طرابلس: جروس برس.

مختار عمر، أحمد. ۱۹۹۷م، **اللغة واللون**، چاپ دوم، قاهره: عالم الکتب.

مقالات

پشبادی، یدالله. ۱۳۹۳ش، «**دلالت‌شناسی رنگ و جایگاه آن در مبانی ادبیات پایداری (نمونه مورد پژوهش: نزار قبانی)**»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، شماره ۱۰، صص ۹۱-۱۱۹.

زغریت، خالد. ۲۰۰۵م، «**الأساس الواقعي لجماليات اللون في شعر الأغرابة**»، مجلة حوليات التراث، العدد ۳.

سید مظهری، منیره. ۱۳۸۹ش، «**نقد و بررسی دیدگاه اندیشمندان مغرب زمین در رابطه علم و دین**»، فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، دوره ۱، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۵.

الشاهر، عبدالله. ۲۰۰۲م، «الأثر النفسى للون»، مجلة الموقف الأدبى، العدد ۳۷۹.
شريف، طارق. ۱۹۷۴م، «الشعر والفن التشكيلى»، مجلة الموقف الأدبى، العدد ۷.
طالب تاش، عبدالمجيد و جواد فروغى. ۱۳۹۳ش، «پيدائش فضا از منظر قرآن و علم»، فصلنامه
مطالعات قرآنى جيرفت، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۹۹-۸۳.
قائى، مرتضى و مجيد صمدى. ۱۳۸۹ش، «بررسى کاربرد رنگها در تصويرپردازى محمود
درويش از مقاومت فلسطين»، نشریه ادبيات پایداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۶۱-۲۸۸.

سایت‌های اینترنتی

ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، بخش رنگ، <http://fa.wikipedia.org/wiki>

Bibliography

- The Holy Quran.
Shafiee Kadkani, Mohammad Reza.(1383), Imagery in Persian poetry, 9 Edition, Tehran: Agah.
Felomar, Berand Kelavos (1376), Colors and their healing nature, Translation of Shahnaz Azari Noosh, Tehran: Ghoghnoos.
Loosher, Max.(1386), The psychology of colors, Translation: Vida Ebi Zadeh, 22 Edition, Tehran: Dars.
Arabic Book
Aboo Saood, Mohammad Ebne Mohammad (1411), Ershadol Aghlol Salim Ela Mazaia Alghoranol Karim , Beirut, Dar Ehiae Altorasol Arabiah.
Esmaeel, Ezzoddin (Lata), Alsheerol Arabiiatol Moaaser, Beirut: Dar ol Seghafatol Arabiiiah.
Bokharee, Mohammad Ebne Esmaeel (1387), Sahihol Bokhari, Translation: Abdolali Noor Ehrari, Torbate Jam: Sheikh Ahmad Jam.
Riiiaz, Abdolfattah ,(1965), Altasvirol Molavvan, First Edition, Cairo: Alheiatol ommatol Mesriiah.
Asfoor, Jaber, (2003), Alnaghdol Adabi, First Edition, Beirut: Darol Kotobal Bananiiah.
Ghotb, Seyyed (1986), Tafsir Fi Zelalol Quran , Beirut: Darol Elm.
Mohammad Ali , Ebrahimi, (2001), Allon Feshsheerol Arabi Ghablal Eslam Gheraat Miso Loojiiah, First Edition, Tripoli: Joroos Boros.
Mokhtar Omar, Ahmad, (1997), Alloghato Vallon , Second Edition, Cairo: Alamol Kotob.
Magazines:
Pish Abadi, Yadollah (1393), Semantics of color and its position in the fundamentals of resistance literature(case of study: Nazar Ghobani), journal of Kerman resistance literature, Number 10, ss 91-119.
Zaghrit, Khaled, (2005), Alasasol Vagheii Lejamaliatol Lon Fi Sheerol Aghrabah , Majallatol Holiiatottoras , Aladad 3.

Seyyed Mazhari, Monireh (1389), Review of thoughtful perspective on the relationship between science and religion, the quarterly of Jiroft Quranic studies, period 1, Number 2, ss 83-105.

Alshafer, Abdollah, (2002), Alasarol Nafsi Lellon, Majallatol Mooghefol Adabi, Aladad 379.

Sharif, Taregh, (1974), Alsheer Vallafonal Tashkili, Majallatol Mooghefol Adabi, Aladad 7.

Taleb Tash, Abdolmajid and Javad Forooghi ,(1393), Genesis space in view of Quran and science, Quarterly of Jiroft Quranic studies, period 5, Number 17, ss 83-99.

Ghaemi, Morteza and Majid Samadi , (1389), Investigation of colors application in Mahmoud Darwish imagery of the Palestinian resistance, journal of literature stability, period 1, Number 2, ss 288-261.

